

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

فرمایش مرحوم شیخ انصاری(ره)

عرض کردیم که محقق نائینی(ره) امور انشایی و اعتباری را به امور تکوینی تشبیه کردند و فرمودند همانطور که در امور تکوینی، تعلیق محال است، در امور انشایی و اعتباری هم محال است. کلام ایشان و اشکال اول امام(رض) بر محقق نائینی(ره) را با یک مقدار توضیحات ذکر کردیم. اینجا مناسب است کلام مرحوم شیخ(ره) را در خود مکاسب و آنچه که بعنوان حاشیه بر فرمایش ایشان است بیان کنیم تا مطلب مقداری روشن تر شود.

مرحوم شیخ انصاری(ره) در مکاسب فرموده است «و ربّما يتوهم أنّ الوجه في اعتبار التنجيز هو عدم قابلية الإنشاء للتعليق، و بطلانه واضح؛ لأنّ المراد بالإنشاء إن كان هو مدلول الكلام فالتعليق غير متصور فيه، إلّا أنّ الكلام ليس فيه، و إن كان الكلام في أنّه كما يصحّ إنشاء الملكية المتحققة على كلّ تقدير فهل يصحّ إنشاء الملكية المتحققة على تقديرٍ دون آخر، كقوله: «هذا لك إن جاء زيد غداً»، أو «خذ المال قرضاً أو قراضاً إذا أخذته من فلان»، و نحو ذلك؟ فلا ريب في أنّه أمر متصور واقع في العرف و الشرع كثيراً في الأوامر و المعاملات، من العقود و الإيقاعات»؛ بعضی گفته اند دلیل بر اینکه انشا باید منجز باشد این است که عقلاً قابلیت تعلیق را ندارد. بعد فرموده بطلان این حرف واضح است. چرا؟ فرموده اگر مراد از انشا، مدلول کلام است، تعلیق در آن غیر متصور است. اما بعد فرموده لکن کلام در تعلیق در مدلول کلام نیست. اما اگر نزاع در این باشد که متکلم و منشئ، همانطور که می تواند ملکیت مطلقه را انشاء کند، می تواند یک ملکیت علی تقدیر ملکیت معلق را هم انشاء کند. بعد هم می فرماید این تعلیق، هم در عرف و هم در شرع كثيراً واقع شده است.

نقد سید(ره) بر کلام شیخ(ره)

سؤال این است که مراد شیخ(ره) از اینکه فرمود «إن كان المراد بالإنشاء هو مدلول الكلام» چیست؟ مرحوم سید(ره) در حاشیه مکاسب می فرماید «مدلول کلام»؛ همان «منشأ» و «تملیک» است. و منشأ، یعنی همان ملکیت و تملیک، قابلیت تعلیق هم دارد. لذا سید(ره) در حاشیه مکاسب، جلد 1، ص 441 فرموده أصلاً در عبارت شیخ(ره) در اینجا قصوری وجود دارد، یعنی می خواهد بگوید این دو قسم، یکی است و دو تا نشد. بعد فرموده است اگر غرض شیخ(ره) از مدلول کلام؛ تعلیق خود انشا است، درست است، و خود انشا قابلیت تعلیق ندارد.

اما می گوید «و العبارة قاصرة»؛ عبارت قصور دارد. بعد سید(ره) یک تحقیقی دارد، که شبیه همان حرف محقق نائینی(ره) است، که ایشان فرمود همانطور که تعلیق در تکوین محال است، تعلیق در خود انشاء هم محال است. اینکه بگوییم انشاء من

معلق به قدوم زید یا قدوم حاجّ است، گفتیم این نمی‌شود. إنشاء یعنی ایجاد، اگر معلقٌ علیه داشته باشد، تا آن معلقٌ علیه نیاید این ایجاد نمی‌شود. حتی این مطلب که تعلیق در خود اخبار هم محال است، بگوییم من الان اخبار می‌کنم به اینکه زید آمد، اگر حسن بیاید. این اخبار، یا موجود است و یا موجود نیست، تعلیق در اخبار هم معقول نیست. این مطالبی بود که بعینه در کلمات محقق نائینی(ره) است، و در کلمات مرحوم سید(ره) هم همین مطالب آمده است. بالاخره در عبارت شیخ(ره) اینطور بگوییم که مراد از این «مدلول کلام»، یعنی خود إنشاء، یعنی خود جعل در باب احکام. امّا همین اشکالی که سید(ره) دارد، این لفظ را برای انشا معمولاً استعمال نمی‌کنند و این قاصر از این است.

جواب استاد از اشکال مرحوم سید(ره)

ما آنجا نوشته‌ایم که مراد از «مدلول کلام»، «ما أوجده الكلام» است، یعنی همان «إنشاء ما أوجده الكلام»، همان انشا است. بعبارة آخری؛ کلمه «مدلول» معمولاً بمعنای «معنا» می‌آید. همین که در ابتدا به ذهن شما هم آمد. معنای «کلام» بقول سید(ره)، همان «منشأ» می‌شود، نه مدلول کلام یعنی «الموجود بالكلام»، «ما أوجده الكلام»، همان انشا است. لذا به نظر ما هم عبارت قاصر نیست. مراد از کلام در اینجا این است – که باز بعبارة آخری این را نوشته‌ام – یعنی «کلی کلام». شما وقتی می‌گویید مدلول کلام، یعنی معنای کلام، یعنی کلام خاص، کلام خاصی است، الفاظ خاصی است. اما اینجا شیخ(ره) که می‌گوید مدلول کلام، کلام خاص مرادش نیست، «ما أوجده الكلام» یعنی کلی کلام، هر چیزی که کلام آن را ایجاد می‌کند. حالا این نکته‌ای بود در مورد عبارت شیخ(ره) که می‌خواستیم عرض کنیم. بحث ما در ادامه‌ی اشکالات امام(ره) است، و هنوز در اشکال اول هستیم و وارد اشکالات دیگر نشده‌ایم.

فرمایش محقق اصفهانی(ره)

محقق اصفهانی(ره) در حاشیه مکاسب کلام مفصلي دارد – دقت بفرمایید که نکات مختلف و متعددی در کلام ایشان هست – که مناسب است این کلام ایشان در اینجا ذکر شود و از کلام ایشان هم استفاده می‌شود که ایشان هم می‌خواهد عبارت شیخ(ره) را بر همین حمل کند که مراد از «مدلول کلام»، همین «انشاء» است. چرا تعلیق در خود انشاء محال است؟ محقق اصفهانی(ره) در جلد 1، ص 286، اولین نکته‌ای که می‌فرماید همان است که دیروز اشاره کردیم، ایشان می‌فرمایند «إنشاء، ایجاد المعنی باللفظ است». یعنی می‌فرماید یکی از وجوه استعمال، این است که شما يك معنایی را با لفظ ایجاد کنید. شما وقتی يك لفظی را می‌گویید و يك معنایی را با آن ایجاد می‌کنید، می‌گویید این معنا، بالعرض موجود شد، امّا لفظ، بالذات موجود است. معنا به برکت لفظ موجود می‌شود. اینجا می‌خواهیم بگوییم در وجودات خارجی و ذهنی، لفظ نمی‌تواند منشأ وجود باشد. با لفظ، يك وجود خارجی ایجاد نمی‌شود، با لفظ، يك وجود ذهنی ایجاد نمی‌شود. به اصطلاح خود این فلاسفه که می‌گویند لفظ از مبادی و از اجزاء علت وجود خارجی و یا وجود ذهنی نیست. وقتی اینطور شد، اولین نتیجه‌اش این است که وجود خارجی، قابل إنشاء نیست. الان ما بگوییم این زید که در عالم خارج است، شما إنشاء کن. قابل انشا نیست. این زیدی را که شما در ذهن تصور کردید، آن را انشا کن. إنشاء جایی است که لفظ بتواند از مبادی او باشد. چه چیزی قابلیت انشا دارد؟ «معنا» و بعضی از مفاهیم.

مثلاً مفهوم طلب قابلیت انشا را دارد، مفهوم ملکیت قابلیت انشا را دارد، مفهوم زوجیت قابلیت انشا دارد، برخی از معانی قابلیت انشا دارند. پس إنشاء در هر چیزی راه ندارد. إنشاء در باب معانی است، آنهم بعضی از معانی که لفظ بتواند منشأ برای ایجاد آن شود. نتیجه می‌گیرند که در هر إنشایی می‌توانید بگویید «المعنا موجود بالعرض و اللفظ موجود بالذات». أصلاً در استعمالات، چه استعمالات اخباری و چه انشایی، آنچه که می‌بینید، لفظ است، غیر از لفظ چیزی نیست. لفظ، موجود بالذات

است، و معنا، موجود بالعرض است. بعد نتیجه می‌گیرند که اگر شما با لفظ، يك معنایی را ایجاد کردید، با لفظ معنا موجود می‌شود، این ایجاد و وجود، قابلیت انفکاک از یکدیگر را ندارند. اینها با هم ذاتا اتحاد دارند، منتها یکی از آنها اصلي و یکی تبعی می‌شود. نتیجه‌ای که محقق اصفهانی (ره) از این قسمت کلامشان می‌گیرند این است که در امور انشائی، انشاء از منشأ تخلف بردار نیست، همانطور که ایجاد و وجود از یکدیگر منفک و جدا نمی‌شوند. شما نمی‌توانید بگویید من الان ایجاد کردم، اما وجودش دو سال دیگر می‌آید. پس الان ایجاد در کار نیست. نمی‌شود بگوییم وجود الان است، وجود آینده نمی‌شود. بگوییم انشا الان است، منشأ دو سال دیگر است. انشاء از منشأ تخلف بردار نیست. این قسمت اول کلام ایشان.

در قسمت دوم، ایشان می‌فرمایند همین کلام انشایی، دو نوع است؛ «ثم إنَّ هذا الكلام الإنشائي تارة يتسبب به إلى إيجاد الملكية الاعتبارية من الشارع مثلا لا على تقدير فتوجد الملكية الاعتبارية»؛ يك نوعش این است که همین کلام انشایی، «بعث» سبب واقع می‌شود برای اینکه شارع اعتبار ملکیت کند، أمّا لا على تقدير، قیدی ندارد. وقتی «لا على تقدير» شد، خود این کلام انشایی را می‌توانیم متصف کنیم به «تمليك حقيقي تسببي». «تسببي» یعنی چه؟ «تسببي» در مقابل «مباشري» است. «مباشري» این است که وقتی که من خودم که می‌گویم «بعث»، اعتبار تمليك می‌کنم. این می‌شود «کلام انشایی من تمليك حقيقي مباشری». يك وقت من این را که گفتم، بعد از این شارع می‌آید این را سبب قرار می‌دهد برای اعتبار خودش، این می‌شود «تمليك حقيقي تسببي». این يك قسم که ما می‌گوییم این کلام انشایی را سبب برای اعتبار ملکیت لا على تقدير قرار می‌دهند. دوم؛ کلام انشایی را سبب قرار می‌دهید برای اعتبار ملکیت على تقدير خاص، می‌فرماید اینجا دیگر این کلام انشایی، متصف به تمليك حقيقي نیست.

الان نمی‌توانیم بگوییم این کلام انشایی ما، متصف به این باشد که تمليك حقيقي انجام می‌دهد، چون اعتبار ملکیت شارع را على تقدير خاص فرض کردیم، یعنی باید آن معلق علیه بیاید تا تمليك حقيقي بیاید. اگر معلق علیه نیاید، این کلام انشایی در حد مقتضی است، الان بالفعل مؤثر نیست. از این کلام انشایی، تمليك حقيقي را نمی‌توانیم استفاده کنیم، بلکه این عنوان مقتضی را دارد. باز در اینجا محقق اصفهانی (ره) می‌فرماید همانطور که گفتیم، در تکوینات بین ایجاد و وجود انفکاک نیست، در انشائات هم بین ایجاد انشایی و وجود انشایی تخلف بردار نیست و تفکیک نیست.

دوم می‌فرمایند «يستحيل تخلف التمليك الاعتباري عن الملكية الاعتبارية لعين ما عرفت من اتحاد الإيجاد والوجود بالذات و اختلافهما بالاعتبار»؛ نمی‌توانیم بگوییم الان تمليك اعتباری هست، اما ملکیت اعتباری آن دو روز دیگر است، بین تمليك اعتباری و ملکیت اعتباری هم تخلفی نیست. آنگاه محقق اصفهانی (ره) يك جمله‌ای دارد که اگر این مقدمات را نمی‌گفتیم، اگر روی این جمله ده روز هم فکر می‌کردیم، نمی‌توانستیم معنا کنیم؛ می‌فرماید «فالتملك الإنشائي تعليلي عنوانا لا حقيقة، و التملك الاعتباري تعليلي لبا فتدبر جيدا»؛ تمليك انشایی بحسب ظاهر معلق است، عنوانا معلق است، اما حقيقة معلق نیست. آنچه که واقعا معلق است، تمليك اعتباری و انشائی شارع است. مجددا عرض کنیم؛ ما زمانی می‌گوییم این کلام انشایی سبب واقع می‌شود، که شارع ملکیت را اعتبار کند. آن وقت می‌گوییم این کلام انشایی، یعنی تمليك انشایی، منتها تمليك انشایی حذفي. می‌فرماید این تمليك که ظاهرا معلق است، اما واقعا معلق نیست، آنچه که واقعا معلق است، خود آن ملکیت اعتباری شارع است. بعد از این مطالب، می‌فرمایند اولین نکته‌ای که بر این کلمات ما متفرع می‌شود این است که بعضی توهّم کرده‌اند که ایجاد انشائی با ایجاد اعتباری یکی است. از این توضیحی که دادیم روشن شد که ایجاد اعتباری با ایجاد انشایی فرق دارد. فرقی این است که ایجاد انشایی، همین کلام انشایی است.

الان وقتی من می‌گویم «بعث»، ایجاد انشایی کردم، اما این سبب می‌شود که شارع ملکیت را اعتبار کند. ایجاد ملکیت اعتباری، دست شارع و دست عقلاست. پس ایجاد انشایی با ایجاد اعتباری فرق دارد. کسانی که خیال کرده‌اند ایجاد اعتباری همان ایجاد انشایی است، اشتباه کرده‌اند. مطلب دومی که می‌فرماید فسادش روشن است؛ «أنَّ استحالة التخلف في الإيجاد التكويني لا في الإيجاد التشريعي»؛ می‌فرماید بعضی خیال کرده‌اند اینکه ما می‌گوییم تخلف محال است، فقط در ایجاد تکوینی است، اما در ایجاد تشریعی اشکالی ندارد. همین حرفی که در فرمایش امام (ره) در جواب از محقق نائینی (ره) گفتیم. امام (ره) فرمود شما چرا

اعتباریات را به تکوینیات قیاس کردید؟ اگر تعلیق در تکوین محال است، اما در اعتباریات و تشریعیات محال نیست؛ ایشان می‌فرمایند این فسادش روشن است. اینکه ما بگوییم تخلف در ایجاد تکوینی محال است، بگوییم در تکوین تخلف بین ایجاد و وجود محال است، اما در تشریع تخلف بین ایجاد و وجود، محال نیست!! خیر، در تشریع هم نمی‌توانیم بگوییم شارع ملکیت اعتباری را ایجاد کرده، اما وجود این ملکیت دو روز دیگر است. در اعتباریات هم همینطور است. بنابراین؛ می‌فرماید این حرف که ما بگوییم در ایجاد تشریعی و اعتباری، تخلف امکان دارد، این باطل است.

نتیجه این است اگر مرحوم شیخ انصاری(ره) که می‌گوید تعلیق در انشا محال است، مرادش از این انشا؛ خود کلام انشائی باشد، مرادش ایجاد انشایی باشد، مرادش ایجاد تشریعی باشد، مرادش ایجاد اعتباری باشد، تعلیق در همه اینها محال است. بین ایجاد و وجود، نه در تکوین، نه در انشا و نه در اعتبار، در هیچیک از اینها تخلفی وجود ندارد. اگر تخلف پذیر نیست، معنا ندارد بگوییم این منشأ معلق است و انشا معلق نیست، این هم محال است. اگر منشأ بخواهد معلق باشد، معنایش این است که انشا الان باشد اما منشأ در آینده بیاید زمانی که معلق علیه آمد. این خلاصه‌ی کلام محقق اصفهانی(ره) است. حالا به این آدرس «حاشیه مکاسب اصفهانی، جلد 1، ص 286» مراجعه کنید و آن را مطالعه کنید تا ببینیم آیا بر این کلام محقق اصفهانی(ره) اشکالی وارد هست یا خیر؟

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.